

عمارت عالی قاپو

بقلم آقای حسین طاهر زاده بهزاد

آقای میرزا حسین خان طاهرزاده بهزاد رئیس مدرسه صنایع مستظرفه در طهران از نقاشان ماهر وزبردست ایران امروزند .
آقای طاهرزاده چندی در اسلامبول بتعلیم فن نقاشی و معلمی تذیب و سمت نقاشی مخصوص وزارت جنگ عثمانی بسر برده است . میناتورها و آثار گرانهای ایشان همواره در نمایشگاه های نقاشی وموزه های عثمانی ومصر طرف توجه مخصوص بوده است وجائز های متعدد بایشان تقدیم شده است .

در آلمان نیز آثار ایشان غالباً زین جرائد ومجلات آلمان بوده وبرای کتاب الف لیلی که در آلمان طبع شده است هشتاد میناتور زیبا ساخته اند .
آقای طاهرزاده در مردادماه سال ۱۳۱۱ برای مطالعه درتاسیس يك مدرسه صنعتی علمی در اصفهان بدانشهر سفر کردید وبس از بازدید آثار تاریخی آنجا در مدت ۲۶ روز اقامت خویش بسیاری از کاشی های مساجد شیخ لطف الله شاه ومیناتور های عالی قاپو وچهل ستون وغیره وا کبی کرده اند . از نقشه کاشیها در قسمت کاشی سازی استفاده خواهد شدومیناتور هارا نیز قریباً بصورت کتابی طبع ومنتشر خواهند ساخت والته اینگونه اقدامات در طریق احیای صنایع ظریفه ایران شایان تقدیر است .
مجله مهر درین شمار مقاله ای را که آقای طاهرزاده راجع بعمارت عالی قاپو ونقوش آن نگاشته اند باچند نمونه از آثار شخصی ایشان ونمونه ای از کبی نقوش عمارت مزبور انتشار میدهد ودر شمارهای آتی نیز نظریات ایشان را درباره حفظ آثار اصفهان و احیای فن نقاشی مخصوص ایرانی با نمونه های دیگری از آثار این استاد محترم منتشر خواهد ساخت .

عمارت عالی قاپو مانند جواهر گرانها نیست که کرد و غبار روی آنرا فرا گرفته باشد ، ولی باز از زیر کرد و غبار درخشندگی و زیبایی طبیعی آن نمایان است . تزیینات بنا از لحاظ طراحی و رنگ آمیزی بسیار زیبا وجالبست . بواسطه منات طرحها وملایمت وتوافق رنگها هرچه بیشتر در نقوش این بنا دقیق شود بیشتر لذت می برید . قسمتی ازین بنا در زمان تیموریان ساخته شده وقسمت دیگر در عهد پادشاهی شاه عباس کبیر بر آن افزوده شده است . نقاشیها همگی از آثار زمان شاه عباس است . رضای عباسی استاد معروف زمان درین عمارت نیز قدرت قلم واستعداد ذاتی خویش را نشان داده است . متأسفانه قسمتی ازین نقوش زیبا را در زیر کچ مستور ساخته اند ، ولی هر گاه در برداشتن کچها دقت شود ممکنست باز برخی از نقوش مزبور را ظاهر ساخت ، چنانکه نگارنده خود برخی نقوش را از زیر کچ بیرون آورده سوادى از آنها برداشتم . در دنیا وجودی بسنگدلی وبی ذوقی و

و بیعلاقگی آن کسی که امر بکج مالی این نقوش زیبا داده است تصور نمی توان کرد هیچ وحشی آدمخواری هم راضی نمیشود که این نقوش زرنگار بی نظیر رادر زیر کج ناچیز کند!

زمانی عالی قاپو را ساخو سر بازان کرده اند و بسیاری از درهای خانم و منبت کاری شده بدست سر بازان بی اطلاع سوخته است. تا چندی پیش نیز صفحات نقاشی های بیمانند این بنا صفحه تقویم و دفتر یادگار های مردم بود و هر که بدین خانه بی صاحب وارد میشد از زدن ضربتی بر آن نقشهای بدیع که فی الحقیقه ضربتی بر ارواح شاه عباس کبیر و رضای عباسی بود خودداری نمی کرد.

از نقوش عالی قاپو نگارنده چند نمونه را عیناً سواد برداشته و امیدوار است که بزودی آنها را در نمایشگاهی بمعرض تماشای عموم گذارد.

عمارت عالی قاپو شش طبقه است و از زیر تا بالا ۱۱۷ پله دارد و در هر طبقه طبقات دیگریست. در طبقه سوم عمارت تالار بزرگ است که در آن نقاشیها و میناتور های فراوان دیده میشود. دیوار این تالار از زمین تا نیمه در زیر کج مستور است. در این تالار میناتور های هلندی و ایتالیائی نیز دیده میشود، ولی پیداست که نقاشان آن در زیر نفوذ قلم استادان ایرانی سر تسلیم فرود آورده با سبک ایرانی کار کرده اند.

تالار بزرگ بایوانی راه دارد که ستونهای بلندی سقف آنرا نگاهداشته است. بالای سقف این ایوان نیز با خطوط هندسی و با طلای اشرفی نقاشی شده ولی متأسفانه نقوش این قسمت نیز از آسیب دستهای نا لایق محفوظ نمانده و تعمیرات نا بجائی هم که بعد از آن کرده اند بکلی از رونق آن کاسته است.

در این ایوان دو طاقی بلند است و در هر یک از آنها میناتوری دست نخورده دیده میشود که با حالی بریشان و حزن انگیز نظر بیننده را بخود جلب می کنند. یک حوض مسی بزرگ نیز درین ایوان ساخته اند. بعضی خطوط هم بوده است که قسمتی هنگام تعمیر بناء زیر کج رفته و نابود شده است و ظاهراً تاریخ اساس بنا هم جزو این خطوط بوده است.

در طبقه ششم قریب هفتاد میناتور، برخی بکلی خراب و محو شده که فقط طرحی از آنها باقیست بعضی نیمه خراب و قسمتی از زیر کج نمایانست. ازین میناتورها هر یک را که زرنگار بوده طماعان بی انصاف تراشیده اند و با امید یافتن ده شاهی طلا صورتی را که بیش از هزار تومان ارزش داشته است نا چیز کرده اند.

تا این ایام کمتر کسی با اهمیت این خزائن گرانها بی برده بود. اخیراً آقای خاجاطوریان سوادى از آنها برداشتند و در طهران و اروپا نمایش دادند و عامه را با اهمیت این نقوش زیبا آشنا ساختند. این اقدام نیکوی ایشان بسیار قابل تمجید و ستایش است.

در نقاشیهای رضا عباسی استاد معروف دوره صفوی چند نکته را مخصراً در

نظر باید داشت :



کپیۀ یکی از نقوش رنگین عالی قاپو
بتوسط آقای طاهر زاده بهزاد



عاشقانه آینه و زما و زینار

کیه یکی از نقوش رنگین عالی قاپو

بتوسط آقای طاهرزاده بغداد

- ۱ - یکی از مرایای نقاشیهای رضای عباسی قدرت قلم و علم اوست ، چنانکه در نقاشی های خود قلم را هر جا گذاشته تا آخر مقصود بی لغزش دست وی کم و زیاد رسانده است و خطوط نقاشی او چنان محکم و متین است که گوئی از فولاد ریخته است و البته درسواد نقاشیهای او نیز این نکته را رعایت باید کرد .
- ۲ - درمو سازی نیز رضای عباسی اعجاز میکند . چنانکه در همین مینیاتور های خراب موهای سر و صورت و پیچهای عمامه ها و شال کمر چنان محسوس و واضح است که بیننده میتواند یکایک آنها را بخوبی بشمارد و از یکدگر تشخیص دهد .
- ۳ - رنگ مینیاتور های عالی قایز و جهل ستون و غیره عموماً جسمی است که نقاشان زمان ، خود از معدنیات سائیده و ساخته اند و علت عمده شهرت مینیاتور های ایران همین طبیعی بودن رنگهاست .
- ۴ - چشم و ابروی مینیاتور های رضای عباسی بسبب خاصی است که میتوان آنرا بسبب نقاشیهای مغولی تشبیه کرد و این سبک بمینیاتور های او ملاحظت فوق العاده بخشیده است . رضای عباسی مخصوصاً از ساختن چشمهای کبود احتراز داشته است . در طبقه ششم یا اطاق حبس الصوت در بالای شاه نشین ها وزیر آن مینیاتور های دست نخورده ای موجود است که وئی تازه از زیر دست نقاش بیرون آمده است . خوشبختانه کسی با این قسمت دست نیافته است تا صورت مینیاتور ها را بتراشد یا تاربخ ورود خود راروی پیشانی صورتها بنویسد . طلاکاری آنها نیز برجایست و نگارنده این صور را نیز عیناً سواد برداشته است .

عشق

بلاست عشق تو من از بلا نپرهیزم
 چو عشق خفته بود من شوم بر انگیزم
 مرا رفیقان گویند کز بلا پرهیز
 بلا دلست من از دل چگونه پرهیزم
 درخت عشق همی پرورم میانه دل
 چون آب بایش از دیدگان فروریزم
 اگر چه عشق خوش و ناخوشست آنده عشق
 مرا خوشست چو هر دو بهم بیامیزم